

میدان نوقم (میدان شهید مطهری): از دیرینه زمان تا این دوران

سید محسن محسنی *

چکیده

این مقاله تاریخ تحوّل میدان نو در شهر قم، از دیر زمان تا پایان دوره قاجار را بررسی می کند. نگارنده در مورد مسیر ورود حضرت فاطمه معصومه (س) به قم در سال ۲۰۰ قمری، اقامتگاه آن بانوی گرامی، موقعیت حرم مطهر و تأثیر آن در تغییر جغرافیای قم، گوشک های کنار رودخانه، خاندان اشعری قمی، اقدامات صدرالممالک اردبیلی در دوره قاجار، دروازه ساوه، بازار قم، محمودیه، مهندسیه، چند بنای مهم گذشته مانند آب انبار و حمام و کاروانسرا و پل که برخی موجودند و بعضی ویران شده اند، توضیح می دهد. منابع اصلی نویسنده، علاوه بر کتابها، وقفنامه ها، منابع تاریخ و جغرافیای قدیم قم و تذکره های عالمان و شاعران قم؛ مطالعات و مشاهدات میدانی است.

کلیدواژه

تاریخ قم - میدان نو؛ فاطمه معصومه علیها السلام - حرم مطهر؛ صدرالممالک اردبیلی؛ بناهای عمومی قم؛ وقفنامه های قم؛ تاریخ و جغرافیای قم - منابع مکتوب.

* سند پژوه و پژوهشگر در زمینه قم شناسی.

مقدمه

میدان نو، نام اخیر «چند راهی» است که بر روی محور تاریخی شهر قم قرار دارد. این محور که جهت شرقی - غربی دارد، از جمکران تا مزدیجان کهن (شاهزاده ابراهیم کنونی) و شهرهای آن سوتر را در بر می‌گیرد. در این نوشتار برای شناخت محور و میدان مذکور به گذشته‌های دور می‌رویم و نحوه شکل‌گیری آن‌ها و شهر باستانی قم را که میدان نو یکی از اجزای آن است، بررسی می‌کنیم. آن گونه که نگارنده دریافته است قم محور تاریخی با جهت جغرافیایی شمالی - جنوبی نداشته است و تنها در دوران نزدیک به ما توسعه شمالی - جنوبی را در شهر می‌بینیم. شاید بتوان گفت توپوگرافی منطقه یعنی ارتفاعات یزدان در جنوب و تپه ماهورهای شمال (در اراضی موسوم به حصار سرخ) در شکل دهی محور تاریخی شرقی - غربی مؤثر بوده است. عکس تازه‌یابی که اریک اشمیت در سال ۱۳۱۳ ش از فراز قم گرفته است و بافت شهر و مناطق پیرامونی را دربر دارد به خوبی محور شرقی - غربی را نشان می‌دهد. در این عکس می‌بینیم که طول شهر در همین جهت تاریخی قرار دارد و محور جنوبی - شمالی عرض شهر را تشکیل می‌دهد. در نوشتار حاضر علاوه بر نحوه شکل‌یابی شهر قم - به بهانه میدان نو - استفاده از اسناد و مدارک کهن در غیاب نقاشی و عکس، برای تدوین تاریخ شهرسازی با نمونه قم و در واقع بهره‌برداری کاربردی از آنها را می‌بینیم. نگارنده از هرگونه نظر انتقادی و اصلاحی و ارشادی استقبال می‌کند. گفتنی است این نوشته پیشتر به درخواست یکی از کارشناسان شرکت مهندسی باوند تهیه و فشرده‌ای از آن نیز به تقاضای مشاور محترم استاندار قم در امور عمرانی در اختیار وی قرار داده شد و اینک به جهت استفاده عمومی تر در مجله «میراث شهاب» چاپ و نشر می‌شود. این گفتار وضعیت میدان نو و پیرامون تا پایان قاجار را نشان می‌دهد. تحولات بعدی این میدان از دوران پهلوی تا روزگار ما در گزارش تکمیلی در فرصتی دیگر خواهد آمد.

قم در دوران پیشا اسلامی

پیش از همه نگاهی اجمالی به وضعیت شهر قم در دوران پیشا اسلامی می‌کنیم. هیچ تردیدی وجود ندارد که سابقه شهر قم بر اساس دلایل موجود، یکی آثار باستانی و دیگری دلیل سندی^۱

۱ اشعری قمی، ۳۹-۵۴

به پیش از اسلام برمی‌گردد. بر همین مبنا بررسی شکل شهر قم در این دوران برای پی بردن به وضع این میدان در همان زمان‌ها واجد اهمیت است.

همچنین تردیدی نیست که سکونت‌گاه‌های باستانی و سپس تمدن‌ها در اطراف آنها شکل می‌گرفته است. بر این اساس و بی‌شک رودخانه گذرنده از میانه شهر قم - به نام گلفشان - تنها دلیل شکل‌گیری سکونت‌گاه‌هایی در دوران باستانی می‌تواند باشد که سپس مجموع آنها قم نامیده شد.

در متون قدیم، از قم به شهر چهل حصاران یاد شده است.^۱ همین عنوان می‌تواند تا اندازه‌ای ما را به شکل هندسی و کلی این شهر رهنمون گردد. به عبارت روشن‌تر ما با یک حصار روبه‌رو نبوده‌ایم، بلکه حصارهای متعدد داشته‌ایم. اعدادی مانند هفت و چهل در فرهنگ و تاریخ ایران زمین، اعدادی تاریخی و معنادار و بعضاً رمزگونه تلقی می‌شوند. این‌که این چهل حصار هر کدام چه نام داشته است و هر کدام در کجا مستقر بوده‌اند، ما اطلاعاتی تفصیلی نداریم و بلکه صرفاً بر اساس همان کتاب قم و مستندات بعدی اطلاعاتی اجمالی در دست ماست. همچنین می‌توان گفت عدد چهل در این‌جا شاید نوعی اغراق باشد که در فرهنگ ایرانی شواهد متعددی بر آن وجود دارد، لیکن اعداد اغراقی خالی از واقعیت هم نیست؛ کما این‌که خواهیم دید.

باید توجه داشت رودخانه گلفشان قم و اراضی اطراف را در وضعیت موجود نباید ملاک داوری قرار دهیم. این رودخانه از گذشته‌های دور تا این اواخر تقریباً از رودخانه‌های دایمی و خروشان یا خشمگین در مواقعی محسوب می‌شده است.^۲ از طرفی اراضی اطراف آن در محلی که شهر کنونی قم شکل گرفته، بسیار سرسبز و آبادان و مراتع مطلوبی برای چوپانان و محل زندگی پرندگان و حیوانات وحشی و شکارگاه مرغوبی برای شکارچیان بوده است؛ کما اینکه قسمتی از این طبیعت کهن در اراضی حصار سرخ^۳ و کنار جاده اراک^۴ هنوز دیده می‌شود و به نظر نگارنده به عنوان میراثی طبیعی باید حفظ شود.

۱ بیگ ارباب، ۱۸

۲ اشعری قمی، ۱۴۶

۳ شمال رودخانه

۴ جنوب روخانه در بستر رودخانه به طرف پردیسان



خوب است گفته شود یکی از وجوه نامگذاری قم همان «کومه»‌هایی^۱ دانسته شده است که شکارچیان این محل در آن پنهان می‌شده یا چوپانان در آن مأوی می‌گزیدند و سپس این نام به روایت کتاب قم مخفف و آن گاه عربی و تبدیل به «قم» و در پی به کل منطقه اطلاق شده است.^۲

حال باید دید شکل پراکندگی چگونه بوده است. بر مبنای تاریخ قدیم قم «پاره- سکونت‌گاه‌ها» یا همان دیه/dih به لسان همان منبع در دو طرف رودخانه به صورت پراکنده مستقر بوده‌اند.^۳ علت پراکندگی ممکن است به منظور استفاده از همه منابع موجود منطقه یا شیوه مقابله با حمله کنندگان به منطقه یعنی دیلمان باشد که بیشتر از شمال برای غارت و اسیر گیری حمله می‌کردند.

شکل کلی هندسی استقرار را باید از مناطقی که می‌شناسیم به صورت اجمالی استخراج کنیم. در قسمت غربی مزدیجان (منطقه اطراف شاهزاده ابراهیم) و ابرستجان (اطراف شاه جمال و شادقلی/شاغالو) و کمیدان یا کمیندان (از میدان سعیدی تا خاکفرج) و در قسمت شرقی، جمکران و براوستان (در نزدیک جمکران) و مالون (شاه احمد قاسم) و منیجان یا ممجان (گویا تقریباً منطبق با بلوار پانزده خرداد) و شهرستان (اوایل جاده سراج) را می‌شناسیم. اگر این مناطق را با خطی فرضی به هم وصل کنیم، چند ضلعی نامنظم و با مقداری اغماض دایره حاصل می‌شود. غرض از این توصیفات، نقش منطقه میدان نو یا شهید مطهری در میان این دیه‌ها یا «پاره- باشگاه‌ها» است.

پل ارتباطی دو طرف

حال باید دید که ارتباط این دیه‌ها در دو طرف رودخانه چگونه برقرار می‌شده است. می‌دانیم که رودخانه قم در سابق رودخانه‌ای دائمی^۴ - با شدت و ضعف جریان آب- و گاهی نیز خشمگین و خروشان بوده است. بنابراین ارتباط با دو سو طبیعتاً به وسیله پل برقرار می‌شده

۱ اتاقک‌های موقت پوشیده شده از سفال و شاخ و برگ درختان

۲ اشعری قمی، ۴۲ و ۵۱

۳ همان، ۸۵-۸۹

۴ همان، ص ۱۴۶



است. در تاریخ قم از چهار قنطره نام برده است. قنطره، پل قوسی بر روی رودخانه را گویند. یکی از این قنطره‌ها را همین کتاب این‌گونه یاد می‌کند:

«قنطره بکجه، بر در مسجد جامع: و آن را یحیی بن علی بن عبدالله اشعری بنا نهاد است، برابر سرائی که او را بوده. و گویند که آن قنطره بکجه بنا نهاد و بکجه، ابوبکر بن عمران بن ابی بکر اشعری است.»^۱

این مطلب چند نکته مهم دارد: یکی پل بکجه و دیگری مسجد جامع. می‌دانیم که مسجد امام حسن (ع) کنونی را در متن‌های قدیمی «مسجد جامع عتیق» می‌نامیدند؛^۲ یعنی مسجد جامع قدیمی در برابر مسجد یا مسجد جامع‌های غیر عتیق یا نو.

هم‌چنین کلمه بکجه این ظن را تقویت می‌کند که نام «باجک» معروف تغییر یافته همین بکجه باشد. با این وصف مسجد جامع مذکور در تاریخ قم می‌تواند همین مسجد امام حسن (ع) کنونی باشد و پل بکجه نیز همین پل مجاور آن. تداوم نام باجک که نام باغی تاریخی در دوران قاجار بوده است، این احتمال را تقویت می‌کند. حتی اگر این احتمالات را منتفی بدانیم، این احتمال قوی وجود دارد که یکی از سه مسجد جامع مذکور در تاریخ قدیم قم همین مسجد امام حسن (ع) کنونی و یکی از پل‌های قدیمی یا قدیمی‌ترین پل‌های روی رودخانه، پل مجاور آن که بعدها پل علیخانی نامیده شد، باشد. خاصه این که خواهیم دید که راه ساوه از کنار این مسجد می‌گذشته است.

جالب این‌که در تمام متن‌های صفوی به بعد و نقاشی‌ها و تصاویر بعد، ما تنها ذکر و تصویر همین پل را می‌بینیم و حداقل نگارنده تصویر یا ذکر پل دیگری را نشنیده یا ندیده است. البته «یأس بعد الفحص» هنوز حاصل نشده است.

اگر وضعیت تاریخی را در نظر بگیریم و به تصویر کلی منطقه و نحوه استقرار دپه‌ها نگاه کنیم، این نتیجه می‌تواند حاصل شود که پل علیخانی کنونی و به احتمال پل بکجه باستانی مرکز ثقل یا گرانیگاه یا پل اصلی ارتباطی هر دو سوی رودخانه از دیرین زمان تا کنون

۱ همان، ۷۰

۲ مدرسی طباطبایی، ۱۱۸/۲-۱۱۹

بوده است. بدین ترتیب بررسی وضعیت میدان نو بدون در نظر گرفتن این سوابق تاریخی و وضعیت شرقی روخانه و پل ارتباطی مجاور، به نظر نگارنده تحقیقی ناتمام خواهد بود.

آمدن حضرت معصومه (ع) به قم

تشریف حضرت معصومه (ع) به قم، حسب نشانه‌هایی که در دست است، موجب شد که شهر قم شکلی متفاوت از پیش پیدا کند. ابتدا روایت آمدن حضرت را از تاریخ قم نقل می‌کنیم: «چون امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه بیرون کردند تا به مرو رود، از برای عقد بیعت به ولایتعهدی برای او (مامون) فی سنه مائتین (۲۰۰)، خواهر او فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام در سنه احدی و مائتین (۲۰۱) به طلب او بیرون آمد؛ چون به ساوه رسید پرسید که: میان من و میان شهر قم چه قدر مسافتست؟ او را گفتند که: ده فرسخست. خادم خود را بفرمود تا او را بردارد و به قم ببرد. خادم او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری فرود آورد و نزول کرد.»

به روایت همان کتاب چون خبر به قم رسید، در استقبال از حضرت همه اتفاق کردند که از او درخواست نمایند که به قم آید:

«از میانه ایشان موسی بن خزرج تنها هم در آن شب بیرون آمد و چون به شرف ملازمت سنی فاطمه رسید، زمام ناقه (شتر) او را بگرفت و به جانب شهر بکشید و به سرای (خانه) خود او را فرود آورد. هفده روز در حیات بود. چون او را وفات رسید، بعد از تغسیل و تکفین و نماز، موسی بن خزرج در زمینی که او را بود به بابلان، آنجا که امروزه روضه مقدسه اوست دفن کرد و بر سر تربت او از بوریاهای سایه [ای] ساخته بودند.»^۱

ذکر این روایت از آن رواست که بدانیم حضرت از چه راهی وارد شهر قم شدند و در کجا اقامت گزیدند و محل تدفین در کجای شهر قم در آن روزگار بوده است و تاثیر مقبره و حرم مطهر در تغییر بعدی شکل شهر را بررسی کنیم و این که میدان نو در آن روزگار چه وضعیتی داشته است؟ دانستیم که حضرت معصومه (ع) در سال ۲۰۱ هجری بعد از ورود به شهر ساوه عازم قم می‌شود و با استقبال مردم قم در سرای موسی بن خزرج اشعری اقامت می‌گزیند و پس از هفده روز اقامت در این شهر وفات می‌کند و در زمین بابلان به خاک سپرده می‌شود.

۱ همان، ص ۵۶۵ - ۵۶۶

این سوال پیش می‌آید که حضرت از چه راهی وارد قم شده است؟ می‌دانیم راه باستانی ساوه به قم راهی بوده که از کنار روستای باستانی آوه می‌گذشته است و پس از رسیدن به مزدیجان (شاهزاده ابراهیم فعلی) در منتهای الیه غرب قم به خط تقریباً مستقیم به پل اصلی شهر (پل بکجه یا پل علیخانی فعلی) که مجاور یکی از مساجد جامع شهر (مسجد جامع عتیق یا امام حسن عسکری علیه السلام کنونی) بوده منتهی می‌شده است.

در ادامه خواهیم گفت که دروازه ساوه قدیم در برابر همین مسیر بوده است. این خط مستقیم هنوز نیز پا برجا است. حتی می‌توان با مقداری اغماض از آوه تا پل اصلی شهر را خطی مستقیم دانست. این احتمالاتی است که نگارنده پیشتر به دست داد.

این‌که مزدیجان در آن موقع دایر یا سکونت‌گاه و یا متروک شده بوده و اگر دایر بوده آیا حضرت در آنجا اقامت یا استراحت داشته اند یا خیر؟ و این‌که وجود مسجدی که بنا به مشهور در زمان امام حسن عسکری (ع) احداث شده، چگونه ممکن است در زمانی قبل از حضرت ایجاد شده باشد، از پرسش‌های پیش رو است.

آنچه مسلم است ما مسیری به جز مسیر مذکور برای ورود حضرت به شهر نمی‌شناسیم. با این وصف، حضرت برای ورود به قسمت شرقی قم که ظاهراً مهم‌تر از قسمت غربی بوده است، از مسیری گذشته که امروزه به نام «میدان نو» یا شهید مطهری می‌شناسیم.

علت اهمیت شرق قم

علت اهمیت شرق قم می‌تواند شیب شهر که به صورت غربی - شرقی است، باشد؛ یعنی آب به قسمت شرقی سوار بوده است و این وضع در کنار نوع خاک برای امر کشاورزی که اقتصاد مردمان قدیم حول آن تعریف می‌شده واجد اهمیت بوده است. عدم خبری از اقامت حضرت در غرب قم (مزدیجان) و ورود حضرت به شرق قم نیز نشان اهمیت همین قسمت بوده است. اساساً یکی از نکاتی که در خصوص شکل‌گیری شهر باید بدان توجه داشت و نیاز به مطالعه دارد، «شیب» شهر قم است که به صورت جنوبی - شمالی و غربی - شرقی است. وجود مسجد منسوب به امام حسن عسکری (ع) در کنار مسیر، قبل از زمان این امام را، ممکن است این‌گونه حل کرد که پیشتر مسجدی در ابعاد کوچک وجود داشته که سپس به امر حضرت گسترش می‌یابد. امیدواریم با دستیابی به اسناد و منابع دیگر مجهولات پیش رو تا اندازه‌ای حل شود.



اقامتگاه حضرت معصومه (ع)

محل اقامت حضرت معصومه (ع) که سرای موسی بن خزرج اشعری بوده، برای شناسایی وضعیت شهر و ارتباط آن با محل مورد بحث شایسته بررسی است. محلی که ظاهراً حضرت در آن اقامت گزیدند همانی است که امروز «سیتیه» می‌گویند و در محل میدان میر قم است. مرحوم علی اصغر فقیهی انتساب این محل را به سرای موسی به نقل سینه به سینه مردم مستند می‌کند.^۱ یکی از منابع قدیم آن را چنین وصف می‌کند:

«و محرابی که حضرت سنی فاطمه (ع) در حجره‌ای از خانه و سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری به آن نماز گزارده است تا حال ظاهر است و محل طواف شیعیان قم است. و به فارسی این محل را «مسجد سیتیا» می‌گویند؛ یعنی مسجد حضرت معصومه.»^۲

با پذیرش این نکته معلوم می‌شود که شهر در ۲۰۱ ق در این مکان مستقر بوده است. اما بعد خواهیم دید که مرقد حضرت موجب تغییر شکل شهر و گسترش شرقی - غربی می‌شود. حال آن‌که سرای موسی آن موقع در نقطه غربی این خط (البته در شرق رودخانه) است. اگر قائل به گسترش شرقی - غربی شهر بعد از وفات حضرت باشیم، این پرسش ایجاد می‌شود که با توجه به موقعیت سرای موسی، قبل از وفات حضرت این گسترش اتفاق افتاده بوده است و این نظریه مخدوش می‌گردد، می‌توان خدشه را این‌گونه رد کرد که سرای موسی در آن موقع جزو یکی از دیه‌های پراکنده شهر بوده است که در غربی‌ترین نقطه در شرق رودخانه بوده است که بعدها به اجزای دیگر شهر پیوسته می‌شود.

از طرفی به نظر می‌رسد که شهر در دوره اسلامی در دو خط بالایی و پایینی شرقی - غربی پیوسته می‌گردد، یعنی دو خط شرقی - غربی یکی در پایین و جنوب جغرافیایی و نزدیک به مرقد حضرت و دیگری در بالا یعنی شمال جغرافیایی که از کنار مسجد امام حسن عسکری (ع) کنونی می‌گذشته و بعد از عبور از پل مجاور به میدان نو کنونی می‌رسیده و در نهایت به آوه و ساوه ختم می‌شده است.

۱ فقیهی، ۲۲۵.

۲ حسینی قمی، ۱۱۹، نوشته ۱۰۷۹ق

غرض از این تفصیلات این است که با وجود سرای موسی و مرقد حضرت در خط پایین، خط بالای جغرافیایی که از «میدان نو» می‌گذشته همیشه فعال بوده است. نگارنده در منابع در دسترس، پلی در مجاور یا مقابل حرم حضرت - به جز اواسط دوران پهلوی دوم که پلی به نام آهنچی و آن هم گویا برای ارتباط با قبرستان نو احداث شد - ندیده است. این از نکاتی است که توجه نگارنده را به خود جلب نموده است. گویی پل علیخانی فعلی (و به احتمال پل بکجه باستانی) که غرب (میدان نو) و شرق رودخانه را به هم وصل می‌کرده، برای ارتباط این قسمت شهر کافی بوده است.

موقعیت حرم مطهر

تاریخ قدیم قم از جایی که حضرت به خاک سپرده شد، چنین یاد می‌کند: «موسی بن خزرج در زمینی که او را بود به بابلان آنجا که امروز روضه مقدسه اوست دفن کرد.»^۱ در سطور بعد می‌گوید: «چون فاطمه (ع) را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین او را به مقبره بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند، حاضر آوردند.»^۲ و بعد از ذکر روایتی ادامه می‌دهد: «در سرداب رفتند و فاطمه (ع) را دفن کردند.»^۳

مطابق این روایت زمین متعلق به موسی بوده است و تملک زمین هنگامی محقق می‌شود که محیات باشد. عمل احیا نیز قاعدتاً به صورت زراعت و باغ و بنا محقق می‌شود. در متن از محل دفن با عنوان «مقبره بابلان» نیز یاد می‌کند؛ خاصه این که به وجود سردابی هم اشاره می‌شود. با این وصف چنین به نظر می‌رسد که ظاهراً قبل از حضرت، محل دفن اشخاص بوده است.

در متن‌های متأخر از جمله «خلاصة البلدان» از محل دفن حضرت با عنوان باغ بابلان یاد می‌شود. از جمع این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که محل دفن که در مجاور رودخانه بوده، به احتمال، باغی متعلق به موسی و شاید مقبره خانوادگی وی هم در آن بوده است.

۱ اشعری قمی، ص ۵۶۶

۲ اشعری قمی، ۵۶۷

۳ همان، ۵۶۷-۵۶۸



کوشک‌های کنار رودخانه

حال بینیم وضعیت اراضی مجاور رودخانه چگونه بوده است. طبق تاریخ قم ثروتمندان شهر در کنار رودخانه ساختمان‌هایی داشته‌اند که هنگام تفریح و استراحت از آن استفاده می‌کرده‌اند:

«وجوه [=بزرگان] و اشراف آل سعد را برکنار رودخانه قم سراها و کوشک‌ها بودند، که به جهت نزهت و تفریح [=گردش کردن] و ترفیه خاطر [=خوشوقت گردانیدن] در آن می‌نشستند و به رودخانه و بساتین [=باغ] در فصل ربیع [=بهار] مُشرف [=نظاره کردن از بالا به پایین] می‌گشتند و در آن نظر می‌کردند.»^۱

ارتباط این سراها یا به تعبیر امروز ویلاهای تفریحی با بقیه شهر چگونه بوده است؟ احتمال دارد سکونت‌گاه‌ها یا دیه‌های شهر در آن زمان به صورت پراکنده بوده است، لیکن ثروتمندان در کنار رودخانه، سراها و نزهت‌گاه‌هایی هم ساخته بودند که برای گردش و تفریح از آنها استفاده می‌کردند. به عبارت دیگر وجود نزهت‌گاه‌ها دلالت بر پیوستگی آنها با بقیه شهر در آن زمان نبوده بلکه صرفاً سکونت‌گاه‌های به احتمال موقت و جدا از شهر و صرفاً برای تفریح و گردش بوده است.

حال باید دید تدفین حضرت چه تأثیری در شکل شهر داشته است؟ به نظر می‌رسد تدفین حضرت در شرق قم و در مجاور رودخانه موجب تغییر شکل شهر در ازمنه بعدی از جمله از اهمیت افتادن غرب قم یا متروک شدن این قسمت و پیوستگی شهر در قسمت شرقی و به سوی حرم مطهر می‌شود. این امر در محور مورد نظر یعنی میدان نو نیز تأثیر می‌گذارد که بحث آن را به پس از این محول می‌کنیم.

مقایسه غرب و شرق قم

گفتیم که قسمت شرقی قم اهمیت بیشتری نسبت به غرب داشته و این موضوع به نظر نگارنده به علت شیب زمین و احتمالاً نوع خاک بوده که برای امر کشاورزی واجد اهمیت بوده است.

ممکن است این پرسش پیش آید که غرب قم ارتفاع بیشتری نسبت به شرق داشته پس چگونه در آنجا کشاورزی می‌شده است؟ بر اساس بررسی‌های میدانی نگارنده، از بالادست رودخانه آنجاهایی که آب بر قسمت غربی سوار می‌شده، جوهایی از رودخانه جدا می‌شده و از این طریق کشت و زرع مردم در غرب آبیاری می‌شده است.

چند سال پیش نگارنده به سازه‌آبی کهنی به صورت سنگ چین و آجر چین در بستر رودخانه و در کناره غربی در بالاتر از «چال هفته» - تقریباً مقابل بوستان غدیر - برخورد کرد که از چند تونل ساروج اندود بر روی هم تشکیل شده بود و حکایت از طراحی مهندسانه و شگفت‌آور پیشینیان برای رساندن آب به غربی قم داشت. گزارشی از این سازه به دستگاه‌های مربوط داده شد و اجمالی از آن هم در یکی از مقالات نگارنده آمد و دوبار نیز فیلمبرداری شد. افسوس که مانند بیشتر داشته‌های ما تقریباً اعتنایی بدان نگردید.

در پژوهش نگارنده در باره اقدامات صدر الممالک اردبیلی - ازدوره قاجار - در غرب قم (چاپ شده در مرزبان فرهنگ جلد دوم) نیز به همین نتیجه رسید. با این توضیح که مادرچاه‌های قنات‌های صدر در قسمت بالادست رودخانه بود. تفصیل آن را به وقت دیگری وامی‌گذاریم. با همه این تمهیدات، قسمت غربی از دیرین زمان نسبت به قسمت شرقی اهمیت کم‌تری داشته است؛ کما این که هنوز این روند ادامه دارد.

شیب زمین علت اهمیت شرق قم

وجود بیشتر اماکن باستانی و مساجد جامع عتیق و غیر عتیق و سپس حرم مطهر و امامزاده‌ها و بازارهای کهن و مدارس علمیه قدیمی و حمام‌ها و آب‌انبارهای کهن و جز آن همه دلالت بر اهمیت بیشتر شرق نسبت به غرب داشته است و به نظر نگارنده «شیب زمین» یکی از مهم‌ترین دلایل آن است. چیزی که تا کنون بدان توجه نشده است.

حال این پرسش پیش آید که این توضیحات چه ارتباطی به میدان نو دارد. باید بگوییم که دو قسمت غرب و شرق قم در محوری به هم وصل می‌شده که از میدان نو می‌گذشته است؛ کما این که هنوز هم ارتباط اصلی این دو قسمت شهر از همین میدان می‌گذرد.



باید افزود که در چند دهه اخیر تصمیم گیرندگان و اجرا کنندگان تحولات شهری قم - تا آنجا که نگارنده می‌داند - کم‌ترین اعتنایی به پیشینه موضوع در اقدامات خود نداشته‌اند. موضوعی که در کشورهای پیشرو که سعی در تقلید از آنها - البته نه به‌تمامه - داریم، چنین نیست. این بی‌توجهی آسیب‌های بسیاری به ظرف و مظهروف شهری قم زده است.

تاثیر حرم مطهر در شکل شهر

گفتیم که شرق قم به علت شیب زمین که نیاز اراضی کشاورزی برای آبیاری بوده، نسبت به غرب آن اهمیت بیشتری داشته است. هم‌چنین دانستیم که حضرت معصومه (ع) هنگام ورود به قم در بخش شرقی شهر اقامت گزیدند و در همین قسمت هم مدفون شدند. با این وجود از دیرین زمان در غرب هم به صورت پراکنده دیه‌هایی (سکونت‌گاه‌هایی) و هم اراضی کشاورزی در کنار آنها - ظاهراً نه به وسعت شرق - وجود داشته است. بعد از ورود حضرت به نظر می‌رسد در شکل شهر تغییرات زیر ایجاد می‌شود:

۱. متروک شدن غرب شهر که یکی از محورهای آن (مزدیجان) از «میدان نو» می‌گذشته است. در منابع در دسترس، تا دوران قاجار خبری از سکونت در غرب شهر دیده نشده است.
۲. پیوستگی شرق شهر. ظاهراً شهر پراکنده دوران نخستین (دیه‌ها) بعد از ورود حضرت و ایجاد حرم مطهر منجر به یکپارچگی تدریجی شهر در قسمت شرقی می‌شود.
۳. توسعه و تکامل شهر به صورت شرقی - غربی به سمت حرم مطهر. حرم مطهر تا زمان صفویه، بیرون از شهر آن زمان قرار داشته است.
۴. ایجاد بازارهای قدیم (کهنه) و نو (بزرگ) در محور شرقی - غربی و رو به حرم مطهر. یکی از دلایل شرقی - غربی بودن محور بازار به جای محور جنوبی - شمالی به احتمالی حرم مطهر بوده است.

ظاهراً اساس و محور اصلی این پیوستگی شرقی، در برابر مسیری صورت می‌گیرد که به «میدان نو» امروزی ختم می‌شده است؛ کما این‌که بازار سرپوشیده بعد از پیشرفت و توسعه به صورت طولی (شرقی - غربی) در دوره قاجار به دروازه معصومه بر سر پل علیخانی می‌رسد و در آنجا به علت رسیدن به رودخانه و در واقع رسیدن به مجاورت حرم مطهر، که

در فاصله کمی با بازار و آن هم در مجاور رودخانه قرار داشته است، متوقف می‌شود. بعد از پل در آن سوی رودخانه، به ابتدای مسیری می‌رسیدیم که امروزه «میدان نو» (شهید مطهری) می‌گوییم. سرانجام این مسیر هم به آوه و ساوه ختم می‌شده است.

پیشتر از شکل باستانی شهر در دو طرف رودخانه که نمای کلی‌اش با مقداری اغماض چند ضلعی نامنظم یا دایره‌ای شکل بود و محور آوه و ساوه که تقریباً از میان این دایره و از میدان نو کنونی می‌گذشت و اهمیت شرق قم به علت شیب زمین در این قسمت و تأثیر حرم مطهر در شکل شهر و به‌خصوص در محوری که به میدان نو می‌رسید، یاد کردیم. با این توضیح که شکل و رشد شهر بعد از تدفین حضرت معصومه (ع) از دایره‌ای به طولی یا خطی در قسمت شرقی تغییر و در امتداد شرقی - غربی تکامل می‌یابد.

در ادامه با توجه به منابع نزدیک به آن دوران و پس از آن موقعیت اطراف میدان را بررسی می‌کنیم. این گفتار هر چند مربوط به میدان نو است، لیکن با التفات به اهمیت محور مورد بحث، بررسی شکل کلی شهر از دیرین زمان را نیز در بر دارد. امیدواریم بتواند مورد استفاده علاقه‌مندان به‌خصوص دانشجویان معماری قرار گیرد. البته این مباحث نیاز به نقشه یا کروکی دارد که در مجال کنونی امکان پذیر نیست.

در تاریخ قدیم قم در ذیل «ذکر طُرُق قم»، در مورد راه دوم می‌گوید: «دوم [با همزه‌ای روی و]: راه ساوه و آوه که آن راه مسجد جامع است.»^۱

مصحح در پانوشت توضیحاتی داده‌اند و محل را تقریباً در حدود خاکفرج و وادی السلام تعریف کرده‌اند. به نظر نگارنده با توضیحاتی که پیشتر داده شد و این که نام سابق مسجد امام حسن عسکری (ع) مسجد جامع عتیق بوده و این مسجد در کنار راه آوه و ساوه قرار داشته است و راه دیگری برای ساوه و با مشخصات فوق سراغ نداریم، بنابراین با نشانه‌های مذکور بدون هیچ تردیدی مسجد جامع مذکور در بند فوق همین مسجد امام حسن عسکری (ع) کنونی است. راه مسجد جامع هم راهی بوده که در آن سوی پل از میدان نو کنونی می‌گذشته و بعد از گذشتن از مزدیجان (امامزاده ابراهیم) به آوه و ساوه ختم می‌شده است.

۱ اشعری قمی، ص ۶۲



پسان تر از دروازه ساوه نیز سخن خواهیم گفت. هم‌چنین از عبارت تاریخ قم بر می‌آید که مسجد جامع آن موقع (سال ۳۷۸ ق) در بیرون شهر قرار داشته است. غرض از این توصیفات روشن شدن وضعیت اطراف میدان نو است تا نقش این محل که در دوران متأخر میدان نو نامیده شد، در این میانه مشخص شود. تعریف میدان بدون توجه به اوضاع اطراف آن ناتمام است.

دروازه ساوه

گفتیم از این محور به آوه و ساوه می‌رفتند. از طرفی می‌دانیم که شهرهای کهن در گذشته به دلیل در امان ماندن از آسیب‌ها - به خصوص در برابر حملات و دستبرد بیگانگان - به دور خود حصار یا باره‌ای می‌کشیدند و برای ورود و خروج از درهای بزرگی موسوم به دروازه استفاده می‌کردند. بررسی حصارها و باروهای قم و تغییر و تحول آنها نیاز به تحقیقی جداگانه دارد که نگارنده بضاعت آن را حداقل در شرایط فعلی ندارد. با این حال در خصوص دروازه ساوه که در این سوی میدان نو فعلی و در محور مورد بحث قرار داشته است به نکاتی دست یافت که در ادامه بیان می‌شود.

هم‌چنین گفتنی است که ما در نگهداری شناسه‌های تاریخی بسیار بی‌مبالاتی کردیم. شناسه‌های تاریخی در روشن شدن مجهولات تاریخی به ما کمک بسیار می‌کند. در باره شناسه‌های تاریخی در مجال دیگر با تفصیل بیشتر سخن خواهیم گفت.

در این شرایط ناچاریم از اندک اسناد باقیمانده از روزگاران قدیم بهره ببریم. در متن یکی از اسناد باقیمانده به تاریخ ۸۴۲ ق که مربوط به وقف جزوی از قرآن مجید بوده و در کتابخانه آستانه نگهداری می‌شده است، چنین می‌گوید:

«وقف و حبس هذا الجزء ... علی المسجد الجامع العتیق الخارج درب ساوه من دروب مدینه قم ... المنسوب الی الامام الهمام الحسن العسکری علیه السلام.»^۱
 متن کامل این وقفنامه را دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی خوانده‌اند و علاقه‌مندان می‌توانند در کتاب مذکور آن را ببینند.

۱ مدرسی طباطبایی، ج ۲، ۱۱۸-۱۱۹

از منظر تحولات شهرسازی قم همین عبارات کوتاه آگاهی‌های بسیار خوبی به ما می‌دهد
از جمله:

۱. نام قدیمی یا نخستین یا دیگر مسجد امام حسن (ع) حداقل در سال ۸۴۰ ق «جامع عتیق» بوده است.
۲. مسجد در آن تاریخ خارج از شهر قم بوده است.
۳. دروازه ساوه در محوری بوده است که در کنارش مسجد مذکور بوده است.
۴. تاییدی بر مطلب پیشین است که مسجد جامع قم بر کنار راه آوه و ساوه را همین مسجد امام حسن عسکری (ع) دانستیم.

حال این سوال پیش می‌آید که دروازه ساوه آن موقع کجا بوده است؟ به نظر می‌رسد دروازه ساوه بر روی محور مورد بحث و در قسمت شرقی قم بوده است. دو محل محتمل است جای این دروازه باشد:

۱. انتهای بازار کهنه که در امتداد یا مجاور این محور (یعنی ساوه و آوه و مزدیجان و میدان نو و شرق قم و نهایت جمکران) بوده و دلیل آن نیز همین بازار کهنه است که در نقطه تقریباً ممتد با میدان میر یا ستیه - (سرای موسی بن خزرج اشعری یا اقامتگاه حضرت معصومه (ع) یعنی همین جایی که شاه خراسان (تقاطع عمار یاسر) می‌گوییم - خاتمه یافته است.
۲. بر روی همین محور و جلوتر به طرف حرم مطهر در امتداد کوچه‌ای که قدیمی‌های قم «پشت باره» می‌گفتند و آن تقریباً بر کوچه پشت پاساژ موسی بن جعفر (ع) تا کوچه آیت الله بروجردی تطبیق دارد. به عبارتی باروی قم در این قسمت بوده و این قسمت بعد از بارو قرار داشته است و به همین علت دروازه هم همین جا باید بوده باشد. البته احتمال دوم ضعیف است و علت ضعف نیز بازار بزرگ است که در دوره قاجار شکل گرفت و ادامه بارو به بازار برخورد می‌کرده است. مگر بگوییم بازار بزرگ (نو) بعداً بارو را شکافته و تا پل علیخانی خود را رسانده است.

از مجموع این توصیفات اهمیت محور مورد بحث که میدان نو جزئی از آن است، روشن می‌شود. بعد از این هم می‌بینیم که خط یک مترو قم نیز در همین محور منتها در زیر سطح شکل می‌گیرد و تا جمکران نیز ادامه می‌یابد. جالب این‌که دو نقطه باستانی شهر باستانی قم



یعنی مزدیجان در غرب و فراتر و جمکران در شرق را به هم وصل می‌کند. البته ذکر این نکته به معنای تایید همه مسائل مترو از نظر نگارنده در محور مورد بحث نیست.

دروازه ساوه در دوران صفوی

برای شناخت هر میدان، بررسی محورهایی که بدان جا ختم می‌شود یا از آن جا گذر می‌کند، واجد اهمیت است. بحث میدان نو به علت پیشینه تاریخی محورهای گذرنده از آن به تفصیل گرایید. شرق این میدان به علت اهمیتی که پیشتر متذکر شدیم، جای بحث دارد. در این یادداشت وضعیت شرقی میدان، حسب یکی از منابع دوران صفوی بررسی می‌شود. خلاصه البلدان نوشته صفی الدین قمی در سال ۱۰۷۹ قمری در باره نُه شهر شیعی است. عمده این کتاب در مورد قم - به جز چند بحث مختصر در باره دیگر شهرها - و مأخذ اساسی آن در باره این شهر هم تاریخ قدیم قم است. نویسنده در قسمت‌های زیادی از این کتاب به عین الفاظ یا با افزودن اضافاتی بهره برده است؛ از جمله در قسمت مورد بحث.

در مطلب سوم «در ذکر دروازه‌ها و راه های قم» می‌گوید: «بدان که در قدیم قم را سیزده دروازه بوده» و در مورد راه دوم چنین بیان می‌دارد: «دوم - دروازه ساوه و آوه که در جنب مسجد حضرت امام حسن عسکری (ع) واقع است و از آن جا به ساوه و قزوین و ابهر و سلطانیه و زنجان و آذربایجان می‌روند.»^۱

این قسمت همانی است که در تاریخ قدیم قم عنوان «ذکر طرق قم» را داد، لیکن در این متن «دروازه‌ها» را به عنوان اضافه کرده است و در توضیحات نیز به صراحت می‌گوید که دروازه ساوه جنب مسجد امام حسن (ع) است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در فاصله ۸۴۲ ق تا ۱۰۷۱ ق تحولات زیر اتفاق افتاده است:

۱. دروازه ساوه از جای پیشین خود که دو جا را برای آن احتمال دادیم، به سمت غرب و در واقع رودخانه حرکت کرده است.
۲. شهر نسبت به حدود پیشینش بزرگ‌تر شده است.
۳. مسجد امام حسن (ع) که در ۸۴۲ ق بیرون از شهر بوده در ۱۰۷۱ ق داخل شهر قرار گرفته است.

۱ حسینی قمی، ۱۸۱

مؤید قسمت آخر هم عبارتی از همین کتاب است که در معرفی یکی از مساجد جامع قدیم می‌گوید: «و مخفی نماند که مسجد جامع «بیرون» همان مسجد است که الحال به مسجد حضرت امام حسن عسکری (ع) معروف است.»^۱

از این عبارت معلوم می‌شود که ظاهراً در ۱۰۷۱ ق، علی‌رغم آن‌که مسجد در درون شهر قرار گرفته، هنوز مردم از این مسجد به علت این‌که قبلاً بیرون از شهر بوده، هم‌چنان به عادت قدیم به عنوان «مسجد جامع بیرون» نام می‌برده‌اند. این احتمال از کلمه «دروازه» به دست می‌آید.

در این جا پرسشی برای نگارنده پیش می‌آید:

قاعدتا دروازه در جایی است که بارو هم قرار دارد. در صورتی که آن‌جایی که مردم قدیم قم «پشت باره» می‌گفتند، عقب‌تر بوده است. مگر بگوییم که باروی قدیم به علت توسعه تخریب و به سمت غرب و در واقع رودخانه جلوتر رفته است؛ هم‌چنان که دروازه هم جلوتر رفته است. اما تداول این نام تا دوران پهلوی و حتی در لسان پاره‌ای از قمی‌های کهن سال که در قید حیات‌اند، نشان می‌دهد که بارو تا این اواخر (حداقل دوره قاجار) پابرجا بوده است. برای رفع این اشکال ممکن است گفته شود با توسعه شهر بارویی بیرون از باروی قدیم شکل گرفته است؛ بدون این‌که باروی قدیم خراب شود. اما این نظر با شکل بازار قم که عمود بر باروی قدیم بوده مخدوش می‌شود؛ مگر این‌که بگوییم بازار بزرگ که ظاهراً در دوره قاجار شکل گرفته باروی قدیم را شکافته و خود را به دروازه ساوه در جای جدید و بر لب رودخانه و در واقع شرقی «میدان نو» رسانده است.

بررسی شرق میدان

گفتیم که حرم مطهر موجب شد که شهر کهن که به صورت پراکنده بود، در دوران اسلامی در قسمت شرقی یکپارچه و پیوسته شود. یکی از محورهایی که یکپارچه شد، محوری است که بازار کهنه و بازار بزرگ در کنار آنها به وجود آمد و در نهایت به رودخانه و پل کهن شهر و در آن سوی رود به میدان نو امروزی رسید. دورترین مناطق شرقی در قم دوران اسلامی

۱ همان، ۱۸۵



روستای جمکران و براوستان بود، لیکن این یکپارچگی از جایی نزدیک‌تر به حرم آغاز شد. به نظر می‌رسد مکان شروع این پیوستگی، محله رضاییه (رضا آباد) و محلات و مناطق بعدی به ترتیب آتی باشد:

چهل اختران و موسویان و مسجد جمعه و میدان و بازار کهنه و شاه خراسان و حسین آباد و عربستان بالا و پایین و باغ پنبه و «کوچه نو» باشد. در کنار این محور، بازار کهنه و بزرگ (نو) شکل گرفت. دلایل ما برای این پیوستگی به صورت شرقی-غربی نیز چنین است:

۱. جهت شرقی - غربی هر دو بازار قم و کهنه بودن قسمت شرقی (صفوی) و نو بودن بازار بزرگ (قاجاری) در غربی این محور نسبت به بازار کهنه و در امتداد آن؛ یعنی هر چه از سمت شرق به طرف غرب می‌آییم بازار نو تر می‌شود. همین نکته نشان می‌دهد که پیوستگی جهت شرقی - غربی داشته است.

۲. مؤخر بودن تاریخ احداث محله باغ پنبه (آخرین حلقه محله‌ای این محور) و شکل‌گیری آن در دوران قاجار طبق کتابچه‌های همان دوران که محله کوچه نو سابقاً قسمتی از آن بوده است. به یک نمونه از آنها در ذکر «باغات قم» اشاره می‌شود: «باغ پنبه - دو ثلث آنها بیوتات (خانه‌های) مردم شده است. ثلث دیگر دو قطعه باغ آباد است.» (افضل الملک کرمانی، ۱۳۰۵ق، ۶۷)، جالب این‌که همین افضل الملک در کتاب مفصل خود در باره قم یعنی تاریخ و جغرافیای قم که آن را در ۱۳۱۰ ق نوشته، در قسمت محلات قم از باغ پنبه به عنوان محله یادی نکرده، گویی در آن هنگام باغ پنبه به عنوان محله شناخته نشده بوده است (افضل الملک کرمانی ۶۲، نوشته شده در ۱۳۱۲ق). همین نکات نشان می‌دهد که باغ پنبه در دوران قاجار شکل گرفته است.

۳. نام «محله کوچه نو» در منتها الیه این محور و چسبیده به باغ پنبه. کوچه نو برخلاف نامش، محله‌ای است که از چند کوچه تشکیل شده است و در دوران پهلوی از باغ پنبه مستقل شد. به عبارت دیگر بعد از کوچه نو و در مقابل آن تا لب رودخانه تا اوایل پهلوی محله‌ای نداشته‌ایم. با این وصف در این محور می‌توان از آن به عنوان آخرین محله نو شهر در دوران قاجار یاد کرد؛ یعنی کوچه نو، قسمت جدیدتر محله باغ پنبه بوده است.

بررسی واژه «نو» در نام - جاها

جالب این‌که در دوران متأخر که این محور تقریباً به نزدیکی‌های رودخانه می‌رسد و ناگزیر برای ادامه توسعه، شهر به آن سوی رود کشیده می‌شود، آن طرف یعنی بخش دو قم را هم «شهرنو» می‌نامند. تقریباً مقابل همین کوچه نو منتها در آن سوی رود. ضمن اینکه قسمتی دیگر از آن طرف رودخانه که بعدتر توسعه می‌باید به «قم نو» موسوم گشت. به عبارت دیگر این کلمه «نو» در سوابق می‌تواند راهنمایی برای بررسی تحولات شهرسازی باشد. وجه تسمیه میدان نو نیز ممکن است از همین روند متخذ باشد. هر چند احتمال دارد در برابر «میدان کهنه» که در قسمت شرق قرار دارد این مکان به «میدان نو» موسوم شده باشد. (زوج نام‌های تقابلی)

خوب است گفته شود که نگارنده چند سال پیش شماری سند خطی مربوط به دوران قاجار از کهنه فروشی در قم خریداری نمود که تعدادی از آنها مربوط به «کوچه نو» بود و به تصور آن که اسناد مربوط به محله زادگاهش است، بسیار مسرور گشت، ولی سپس دریافت که مربوط به «کوچه نو یزد» است و گویا در تاریخ جدید یزد تألیف قبل از دوران صفوی هم ذکر این محله یزد آمده و بدین ترتیب قدمت آن از کوچه نو قم، بیشتر است. احمد کسروی مورخ مشهور در کتاب نام‌های شهرها و دیه‌های ایران قواعدی استخراج کرده است که نشان می‌دهد بسیاری از نامگذاری‌های یکسان و مشابه در پهنه ایران تاریخی منشأ آب و هوایی و سرزمینی و به عبارتی وجوه مشترک دارد. این قواعد ما را به تطبیق و بررسی اسامی مشابه رهنمون می‌کند. با این وصف باید دید که «محله کوچه نو یزد» از نظر تحولات شهرسازی در یزد در چه جایگاهی است و به مقایسه‌ای تطبیقی با «کوچه نو قم» دست یازید. هم‌چنین کاوش کرد که در شهرها و روستاهای کهن دیگر محله یا کوچه‌ای به نام «نو» داریم و در صورت وجود به بررسی آنها از همین منظر پرداخت.

در تاریخ یزد نگاشته جعفر بن محمد بن حسن جعفری در ذکر فرار امیر شمس الدین که در تعقیب پدرش سید رکن الدین قاضی بوده اند، می‌گوید: «امیر شمس الدین در کوچه نو در خارج حصار یزد در خانه دوستی مخفی بود»^۱ همین عبارت «خارج حصار» موقعیت «کوچه نو یزد»

۱ جعفری، ۱۰۶

را نشان می‌دهد که آن زمان (قرن نهم هجری و قبل از ۸۳۹-۸۷۲) بیرون از حصار شهر یزد بوده است. به عبارت روشنتر این ترکیب سمت و سوی توسعه‌آتی شهر را نشان می‌دهد. کوشنده در فهرست نام جاها می‌گوید نام این کوچه هنوز باقیست.^۱ موقعیت کوچه نوقم (قمی‌ها این ترکیب اضافی را -kuche-nowv-e-qom- تلفظ می‌کنند) نیز نشان می‌دهد که این محل که متشکل از چند کوچه است در منتهای الیه توسعه شرقی - خانه است.

بازار قم در شرق

گفتیم در قسمت شرقی رودخانه، بازار سرپوشیده قم به صورت شرقی - غربی ایجاد شد. قسمت اول این بازار از میدان کهنه تا محله شاه خراسان (حسین آباد) و به تعبیر امروز تقاطع عمار یاسر است که بازار کهنه را تشکیل می‌دهد و قسمت دوم از حسین آباد تا چهارراه بازار امروزی است که بازار بزرگ (نو) را تشکیل می‌دهد. این دو قسمت نیز گویا از قدیم‌الایام به هم وصل نبوده است. به عبارت دیگر بازار نو و بزرگ پیوسته نبوده‌اند. مرحوم علی اصغر فقیهی می‌گوید که در این قسمت جمعه بازار تشکیل می‌شده است.^۲

باید گفت پیشتر قسمت دوم تالاب رودخانه و پل علیخانی ادامه داشته است و در آن سوی پل هم میدان نو امروزی را داشته‌ایم، لیکن در دوران پهلوی اول (۱۳۰۷-۱۳۱۴ ش) قسمتی از این بازار از پل علیخانی تا چهارراه بازار برای ایجاد خیابانی که امروزه به نام آذر معروف است، تخریب شد.

در ثبت اداره میراث فرهنگی بر روی تابلویی که در ابتدای بازار بزرگ نصب شده است این بازار را قاجاری - صفوی معرفی کرده است، لیکن چه از نظر کالبدی (سبک و ریخت و مصالح به کار رفته) و چه از نظر سندی (کتیبه تاریخدان و متون یا اسناد تاریخی) امری که دلالت بر صفوی بودن این قسمت از بازار کند، دیده نمی‌شود. برعکس دلالت کالبدی و تصریح در متون تاریخی ما را به قاجاری بودن بازار بزرگ رهنمون می‌کند.

۱ همان، ۱۰۶

۲ فقیهی، ۵۷

حال باید ببینیم که در آن سوی بازار کهنه یعنی از میدان کهنه به طرف شرق، بازار سرپوشیده ادامه داشته است یا خیر؟ کالبد فعلی بازار چنین چیزی را نشان نمی‌دهد، لیکن ناصرالدین شاه در یکی از سفرهایش به قم می‌گوید که از راه بازار قم که تو در تو بوده است به زیارت «علی بن جعفر» رفته است. (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۱۳) این مطلب تا اندازه‌ای ظن ایجاد می‌کند که بازار از میدان کهنه تا دروازه کاشان (باروی شهر در آن موقع) که علی بن جعفر در فاصله کمی در بیرون از آن بوده، ادامه داشته است. لیکن از این مطلب قطعیت برای نگارنده حاصل نمی‌شود.

بازار موصوف در برابر میدان نو امروزی بوده است. با این توضیح که مقداری از بازار که در دوره پهلوی اول تخریب شد؛ تا چهار راه بازار امروزی مستقیم در برابر میدان نو امروزی بود و بعد از رسیدن به محل چهار راه بازار که آن موقع سه راه کولی‌خون نامیده می‌شد با مقداری انحراف به دو قسمت تقسیم می‌شد که قسمتی به چهار سوق و قسمتی هم به خط مستقیم تا حسین آباد ادامه می‌یابد.

اگر انحراف بازار در چهار راه امروزی نبود در تخریب رضا شاهی (۱۳۰۷-۱۳۱۴) تمام بازار از بین می‌رفت؛ چرا که آن زمان می‌خواستند به خط مستقیم از پل علیخانی که در این سوی میدان نو بود، مستقیماً خیابانی به سمت شرق بکشند. همان خیابانی که امروزه بین مردم به «آذر» مشهور است.

اقدامات امین السلطان

در سطور پیشین به تخریب قسمتی از بازار بزرگ در زمان رضاه شاه در سمت شرقی میدان نو اشاره‌ای شد. برای شناخت بیشتر این محور مقداری به عقب برمی‌گردیم و اقدامات میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم ناصرالدین شاه را بررسی می‌کنیم. او هم به جهت علایق مذهبی و هم علایق ملکی اقداماتی را در قم انجام داد که بیشتر حول محور مورد بحث بود. قبل از وی پدرش میرزا ابراهیم امین السلطان شروع به ساخت صحنی نو در کنار صحن کهنه حضرت معصومه (ع) کرد، لیکن عمر او بقا نداشت تا آن را به انجام برساند و ادامه کار به عهده فرزندش افتاد.^۱ چنین است خلاصه اقدامات وی:

۱ فیض، ۱۶۲



۱. ساخت حرم و گنبد شاه حمزه در نزدیکی محور گذرنده از میدان نو.^۱
۲. احداث جاده‌ای جدید با امکانات بین راهی به تعبیر امروز از تهران تا قم و در نتیجه متروک و سپس نابود شدن راه کهن و هزاران ساله ری - قم در پی این اقدام، که همین جاده قدیم تهران - قم فعلی باشد.^۲
۳. مشارکت در ساخت قسمتی از بازار بزرگ که در برابر میدان نو امروزی به پایان می‌رسید. سرای صدر اعظم در بازار بزرگ که تا روزگار ما پاییده از زمره همین اقدامات است. این بازار در آن روزگار به لب رودخانه و دروازه‌ای می‌رسد که قبلاً به نام دروازه ساوه موسوم بود و در آن سوی رودخانه (پل علیخانی) مسیر میدان نو امروزی بود.
۴. ساخت و اتمام صحن نو که مقداری بالاتر از محور مورد بحث است.
۵. ساخت «مهمانخانه مهندسیه» یا نخستین هتل لوکس قم در مجاور میدان نو امروزی. با توجه به این‌که همه منابع مربوط به اقدامات امین السلطان در قم به مرحله چاپ و نشر نرسیده است و تحقیق مستقلی هم در این باره نداریم، نمی‌توانیم به نتایج دقیق برسیم. با این حال و با توجه به منابع در دسترس، نگارنده نتایج ناشی از اقدامات وی و مرتبط با محور مورد نظر را چنین می‌داند:
 ۱. انتقال مسیر مسافرت به ری (تهران) یا شرق ایران از شرق قم و ابتدای بازار کهنه (دروازه ری) به غرب قم و در واقع به میدان نو امروزی و برعکس؛ یعنی مسافران تهران یا شرق ایران به جای آن‌که از دروازه ری وارد قم بشوند از راه جدید و از میدان نو امروزی وارد قم شدند. کما این‌که این مسیر تا روزگار ما پاییده است.
 ۲. میدان نو امروزی، ابتدای مسیری شد که هم به شمال ایران و هم به شرق کشور گشوده می‌شد.
 ۳. دروازه‌ای که پیشتر دروازه ساوه نامیده می‌شد، از این پس دروازه تهران هم نامیده شد. (یادداشت‌های آیت‌الله سید احمد شبیری زنجانی)

۱ فیض قمی، جلد دوم، ۴۴۷

۲ کاشانی، ۲۰۷-۲۷۴

۴. ممکن است نامیدن همین دروازه به نام دروازه معصومه ناشی از اقدامات وی باشد. هرچند نزدیکی این دروازه به حرم مطهر هم دلیل قوی برای این نامگذاری محسوب می‌شود.

۵. تقویت بیش از پیش محور مورد بحث که میدان نو حلقه‌ای از آن به شمار می‌رود. شایان گفت است که با این اقدام وی مسافران ورودی از شرق و شمال کشور به قم پس از رسیدن به شهر قم راهی نزدیک‌تر به حرم را تا قبل - که از دروازه ری بود - طی می‌کردند. البته این به معنای تایید اقدام وی در متروک یا نابود کردن راه کهن ری - قم نیست.

وضعیت غربی قم در دوره قاجار

محله محمودیه

حسب تاریخ قدیم قم در دوسوی رودخانه و به صورت پراکنده دیه‌ها یا سکونت‌گاه‌های قدیمی قرار داشته است. در یادداشت‌های پیشین شرق رود و درواقع شرق میدان را تا اواسط دوران قاجار بررسی کردیم. لیکن ما به جز قرون نخستین اسلامی که اخباری از سکونت، حسب منابع در دسترس از قسمت غربی داریم، تا دوران قاجار تقریباً خبری از ادامه سکونت در غربی قم، یعنی مناطق نزدیک به شهر اسلامی نداریم. نگارنده اخیراً مطلع شد که قسمتی از اراضی غرب رودخانه شامل محل مهندسیه و اطراف از موقوفات حاج رضا خادم از خدام مسجد جامع عتیق از دوران صفویه است.

قدیمی‌ترین منبع در دسترس نگارنده از دوران متأخر که از سکونت در این قسمت خبر داده، تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم نوشته میرزا علی اکبر فیض در ۱۲۷۷ق با اضافاتی در تواریخ بعدی است که در شرح حال «جنان» از شعرای دوران ناصرالدین شاه در عباراتی هرچند کوتاه، توصیف خوب و دقیقی از سکونت در این قسمت به دست داده است:

«چنانچه بنای محله محمودیه که در سمت غربی این بلد واقع و از دروازه ساوه تا آن مکان قریب به پانصد قدم است، از بناهای ایشان است [یعنی جنان] که در سنه یک هزار و سیصد و دو زمینی ابتیاع نمود و در او بنای باغ و عمارتی بنیاد نهاد. غربای [= غربیان، ناآشنایان] این بلد که ملاحظه این کار را نمودند، به صرفه کاری که زمین‌های آن مکان به قیمت ارزان است،



- خانه‌ها و عمارات بنا نهادند؛ به خصوص اهالی ابرقو که بیشتر خانه‌ها از ایشان است. اکنون یکی از محلات معتبر این بلد است.»^۱
- از این مطلب، نکات زیر مستفاد می‌شود:
۱. نام محله غربی قم «محمودیه» بوده که گویا از نام کوچک شاعر برگرفته شده است.
 ۲. تاریخ احداث محله ۱۳۰۲ ق است.
 ۳. دروازه کنار رودخانه و بر سر پل علیخانی تا آن زمان دروازه ساوه نامیده می‌شده است. این دروازه سپس به نام‌های دروازه تهران و خاکفرج و معصومه نیز نامیده شد. لیکن دروازه ساوه از تمام آنها قدمت بیشتری داشت.
 ۴. فاصله محله تا دروازه ساوه پانصد قدم یعنی حدود ۴۵۰ تا پانصد متر امروز است که تقریباً نزدیک سه راه مولوی کنونی تا میدان سعیدی می‌شود.
 ۵. اراضی غربی قم کم بها و ارزان بوده است.
 ۶. اقدامات وی به تعبیر امروز ارزش افزوده ایجاد می‌کند.
 ۷. ظاهراً مهاجران به قم به علت ارزانی آن‌جا را برای سکنا برمی‌گزینند.
 ۸. اهالی ابرقو (نام قسمتی از بخش غربی قم) به تأسی از وی در آن‌جا اقامت می‌گزینند. ابرقو به معنای دامنه کوه است. این‌که این افراد از منطقه ابرقو در استان دیگر بدان‌جا آمده بودند یا این‌که آن‌جا را به علت بلندی نسبت به شرق قم که در شیب قرار دارد، ابرقو می‌نامیدند، برای نگارنده مشخص نیست. آقای سید حسین فعال نظری از اهالی آن‌جا می‌گوید که حد فاصل مسجد رضاییه تا میدان سعیدی محل سکنا ابرقویی‌ها از اهالی اطراف شیراز بوده است.
 ۹. در آن تاریخ محله محمودیه، محله معتبری بوده است.
- با همه این احوال به جز مأخذ بالا نگارنده در جای دیگری ذکری از این محله ندیده است. ضمن این‌که محله مزبور در نزد قمی‌های کهن سال شناخته شده نیست.

مهمانخانه مهندسیه

در یادداشت‌های پیش به اقدامات امین السلطان در قم به طور کلی اشاره و از زمره کارهای وی از ساخت مهمانخانه مهندسیه یا به تعبیر امروز نخستین هتل لوکس و ستاره‌دار قم یاد کردیم. اینک با توجه به موقعیت این مهمانخانه در مجاورت میدان نو با تفصیل بیشتر سخن می‌گوییم. امین السلطان صدر اعظم مقتدر ناصرالدین شاه به جهت علایق ملکی که گویا همراه با علایق مذهبی بود، جاده جدیدی از تهران به قم و از کنار املاک خود کشید که همین جاده قدیم تهران - قم است. با این اقدام وی جاده کهن ری - قم که حدود هفت فرسنگ نزدیک‌تر بود در طی فرایندی که عده‌ای آن را طبیعی و شماری عمدی و منسوب به وی می‌دانند، متروک و سپس نابود شد. در نتیجه مسافرانی که از آن سو به قم می‌آمدند از راه جدید و در واقع از مسیر میدان نو امروزی وارد شهر می‌شدند.

امین السلطان تحت تأثیر مسافرتی که با شاه به فرنگ (اروپا) داشت در انتهای مسیر، مهمانخانه‌ای به سبک هتل‌های اروپایی ساخت. علت نامیدن آن به مهندسیه این بوده است که این بنا به دست مهندس الممالک غفاری از محصلان فرنگ رفته آن زمان، طراحی و ساخته شده بود و او نام خود را بر این بنا نهاد.^۱

وصف این بنا در بسیاری از کتب و رسالات آن زمان و سفرنامه‌های جهانگردان به اختصار و بعضاً به تفصیل آمده و تعدادی تصویر تاریخی نیز از این بنا در دست است.^۲ موقعیت آن حد فاصل جنوب غربی میدان نو تا سه راه خورشید بوده است. ساختمان‌های ژاندارمی سابق و اداره پست و سازمان آب و مدرسه صدوق فعلی بر جای این مهمانخانه است. گویا این بنا تا دهه بیست شمسی پا برجا بوده است.

آب انبار حاجی علی اکبر ارباب (تاجر / پالان‌دوز)

حاجی علی اکبر ارباب و حاجی علی اکبر تاجر و حاجی علی اکبر پالان‌دوز و گویا حاجی علی اکبر باغ‌پنبه‌ای در متون قاجاری در باره قم که به ظاهر نام چند تن به نظر می‌آید، در واقع بر یک تن دلالت دارد. حاجی علی اکبر از نیکوکاران دوره ناصری، آب انباری در شمال میدان

۱ افضل الملک کرمانی، نوشته در ۱۳۱۲، ص ۴۶ - ۴۷

۲ افضل الملک کرمانی، ۱۳۱۲ق، ۴۶



نو امروزی می‌سازد که به نام خود او، به آب انبار حاجی علی اکبر موسوم می‌شود. علاوه بر این بنا، بناهای عام المنفعه دیگری نیز در قم از جمله آب انبار و مسجد باغ پنبه نیز ساخته‌اند و است. به روایت احفادش او آب انباری در آب سیاه و دو آب انبار در بین راه مشهد و آب انباری نیز در طیب و طاهر قم می‌سازد. مفلس قمی مشهور به شیخ ارده شیره در وصف آب انبار موصوف که در شمال میدان نو امروزی بوده است، چنین می‌گوید:

«آب انبار حاجی علی اکبر - واقع است در بیرون دروازه خاکفرج، جنب حمام و کاروانسرای متولی باشی. از بناهای حاجی علی اکبر پالان دوز قمی است که در بدو سلطنت ناصرالدین شاه او را بنیاد کرده است. این قطعه را در کتیبه دالان او نوشته‌اند که تاریخ بنای او است:

در زمان شه جمشید غلام / ناصر دین خداوند مجید
 مفخر الحاج علی اکبر راد / که چو او راد جهان هیچ ندید
 کرد این برکه بنا اندر قم / که زطاقش کمر چرخ خمید
 تا که چون تشنه شود زو سیراب / یاد آرد ز لب شاه شهید
 وقف سلطان شهیدانش کرد / الغرض چون که به اتمام رسید
 طبع ناجی پی اتمامش گفت / «ورد آب است که لعنت به یزید»
 مصحح در حاشیه در مورد بیت آخر افزوده است: «مصراع دوم بر اساس حروف ابجد مطابق با سال ۱۲۷۸ است.»^۱

در این منبع از دروازه‌ای که پیشتر به دروازه ساوه موسوم بوده است، به نام دروازه خاکفرج نام برده است و ما علت آن را سپس ذکر می‌کنیم.

محل این آب انبار با توجه به موقعیت فعلی بین خیابان خاکفرج تا در میدان تره‌بار و در پیاده‌روی است که هم اکنون دستفروشان بعضاً مستقر می‌شوند. آب انبار مذکور گویا تا دهه بیست و اوایل دهه سی پابرجا بوده است و از آن برای زندانیان محبوس در زندان خیابان ایستگاه آب می‌برده‌اند.

گفتنی است حاجی علی اکبر تاجر نیای مادری پدر نگارنده است. امیدوارم بتوانم یادداشتی جداگانه در وصف این تاجر نیکوکار قاجار و بناها و احفاد وی قلمی کنم. در این یادداشت از روایت احفاد حاجی علی اکبر از جمله آقای سید اسدالله محسنی استفاده شده است.

۱ مفلس قمی، ج ۲، ص ۳۰۹

حمام و کاروانسرای متولی‌باشی

در ذکر آب انبار حاج علی اکبر در شمال میدان نو، دانستیم که حمام و کاروانسرای متولی‌باشی در جنب این آب انبار قرار داشته است. ما از موقعیت و وضعیت این دو بنا اطلاعی نداریم. لیکن با توجه به موقعیت آب انبار می‌توانیم موقعیت تقریبی آن را به دست آوریم. از بین منابع موجود مفلس قمی توصیف اجمالی هر دو بنا را به دست داده است:

حمام

«حمام متولی‌باشی - یک باب است، در بیرون شهر. جنب دروازه خاکفرج واقع است. از بناهای حاجی میرزا سید حسین متولی‌باشی است که در اوایل دولت ناصرالدین شاه او را بنا نموده.»

کاروانسرا

«کاروانسرای متولی‌باشی - چهار باب است. واقع است در بیرون شهر. قریب دروازه خاکفرج. از بناهای حاجی سید حسین متولی‌باشی است که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بنا نموده‌اند.»^۱

منظور از متولی‌باشی نیای مرحوم ابوالفضل تولیت، مالک باغ سالاریه معروف است. دروازه خاکفرج هم جنب مسجد امام حسن عسکری (ع) و بر لب شرقی پل علیخانی قرار داشته است. اصطلاح «بیرون شهر» ناظر بر آن طرف پل علیخانی یعنی از میدان نو تا میدان سعیدی امروزی است. کهن سالان قمی از این قسمت با عنوان «بیرون دروازه» یاد می‌کردند؛ هم‌چنان‌که در سر برگ‌های دفتری در زمان پهلوی دوم همین عبارت درج می‌شد. با توجه به این‌که آب انبار حاجی علی اکبر بعد از جاده خاکفرج (خیابان خاکفرج) قرار داشته است، حمام و کاروانسرا در شمال غربی میدان نو امروزی بوده است.

کاروانسراها

میدان نو تا آن‌جا که می‌دانیم یکی از حلقات مهم‌ترین محور تاریخی و کنونی شهر قم است. به عبارت دیگر با شناخت این محور تقریباً ما با تحولات کلی قم از زمان‌های کهن تا امروز

۱ مفلس قمی، ص ۳۲۲ و ۳۳۰



نیز آشنا می شویم و تفصیل یادداشت‌ها نیز از همین رو است. اجزای این محور نیز همین حکم را دارد. در این یادداشت بناهای پیرامونی و همجوار این حلقه را بررسی می‌کنیم؛ از آنجا که تمام ابنیه تاریخی بخش دو قم از بین رفته است. ما با نشانه‌ایی که در دست داریم می‌توانیم بناهای تاریخی اطراف و مجاور میدان را که دیگر وجود ندارد تا اندازه‌ای شناسایی کنیم؛ از جمله این نشانه‌ها دروازه ساوه یا دروازه خاکفرج یا دروازه تهران یا درب معصومه است که همه بر یک دروازه دلالت دارد. اصطلاح بیرون دروازه و بیرون شهر هم از همین زمره است. با این نشانه‌ها ما تعدادی از کاروانسراهای مورد نظر را به دست آوردیم:

۱. «کاروانسرای شاهزاده - دو باب است. در عقب یکدیگر واقع است. در بیرون شهر، قرب دروازه خاکفرج است. ... در سلطنت محمد شاه آن را بنا نمودند.»
 از این مطلب دانسته می‌شود که ساخت و ساز در پیرامون میدان از زمان محمد شاه (۲۵۰-۱۲۶۴ ق) آغاز شده بوده است. منتها مسافران ساوه به قم یا بالعکس از کاروانسراهای محمد شاهی در این قسمت استفاده می‌کرده‌اند؛ چون جاده جدید تهران - قم در آن زمان هنوز احداث نشده بود.

۲. «کاروانسرای حاجی ابراهیم - دو باب است، متصل به یکدیگر. در خارج شهر واقع است. نزدیک دروازه خاکفرج. بانی او حاجی محمد ابراهیم تاجر است که در اواخر دولت محمد شاه او را بنیاد کرده است.»

۳. «کاروانسرای کلی [درست گلی] واقع است در بیرون دروازه خاکفرج. جنب مهندسیه. دو باب است. متصل به یکدیگر است. کاروانسرای بسیار بزرگی است. از بناهای حاجی میرزا خلیل، سرکشیک سرکار فیض آثار است که در سنه ۱۳۳۳ آن را بنیاد نهاد.»

۴. «کاروانسرای حاجی سید عباس - یک باب است واقع در بیرون شهر. در محله جدیدی که در طرف دروازه خاکفرج واقع است و به ابرقو مشهور است. از بناهای حاجی سید عباس خدام سرکار فیض آثار است که در سنه ۱۳۰۶ او را بنیاد نموده است.»

۵. «کاروانسرای آقا محمد هاشم - واقع است در شهر نو. از بناهای آقا محمد هاشم تاجر کاشی است که تقریباً در ۳۵ سال قبل آن را بنا نموده است.»^۱

شهر نو قسمتی از بیرون دروازه خاکفرج بوده است؛ چون مفلس قمی کتابش را در ۱۳۱۳ ش نگاشته سال احداث بنا ۱۲۷۸ ش به دست می آید. تعداد کاروانسراها در اطراف میدان اهمیت این حلقه در محور مورد نظر را نشان می دهد.

حمام و دکاکین

نگارنده با جست و جوی شتابزده در منابع قاجاری نتوانست مسجدی در اطراف میدان نو بیابد، لیکن در «کتابچه اعداد و نفوس اهالی دارالایمان قم» که یکی از دقیق ترین سرشماری های تاریخی قم در دوران ناصرالدین شاه است، به یک حمام و چند مغازه در این محوطه اشاره دارد:

حمام

«حمام جناب متولی باشی، واقعه در خارج شهر به [؟] درب معصومه از اراضی وقفی سرکار ساخته شده به ملکی خود اجاره داده شود [شده؟] در عهد این دولت ساخته شده، به حکومت شاهزاده میر آخور.»

دکاکین

«دکاکین خارج شهر که در این دولت ساخته شده ...

دکاکین داخل جهانگیر میرزا ۲ باب: بقالی ۱ باب - علافی ۱ باب

دکاکین سر کاروانسرای متولی باشی ۲ باب: علافی ۱ باب - نعل بندب ۱ باب

دکاکین جنب آب انبار جدید حاجی علی اکبر ۶ باب: بقالی ۱ باب - بقالی ۱ باب -

خبازی ۱ باب - ... [ناخوانا] دوز ۱ باب - نعل بندی ۲ باب^۱

منظور از حاجی علی اکبر همان حاجی علی اکبر تاجر است که به ارباب و پالان دوز هم

شهره بوده است و آب انبارش در شمال میدان نو امروزی قرار داشته است.

پل علیخانی

از اجزای شرقی میدان، پل تاریخی علیخانی است. این پل تا آن جا که می دانیم قدیمی ترین پل شهر قم است که موقعیت آن تا روزگار ما پاییده است. ممکن است «پل بکجه» که در تاریخ

۱ کتابچه اعداد و نفوس اهالی دارالایمان قم، به کوشش محسن روستایی و حسین احمدی رهبریان، در دست انتشار به وسیله بنیاد قم پژوهی



قدیم قم ذکر شده است، همین پل علیخانی فعلی باشد؛ چه به احتمالی بکجه تغییر یافته باجک باشد که باغی تاریخی در نزدیکی‌های همین پل بوده است. در نقشه‌ای که مرحوم دکتر حسین کریمان در سال ۱۳۲۸ از قم کشیده است، این باغ را تقریباً در نزدیکی‌های این پل بین رودخانه و خیابان باجک فعلی نشان می‌دهد. پیش از صنعت عکسبرداری در سفرنامه‌های سیاحان خارجی گویا فقط نقاشی همین پل وجود دارد. در عکس‌های تاریخی قاجاری نیز صرفاً همین پل دیده می‌شود. این امر نشان‌دهنده اهمیت تاریخی محوری است که میدان نو یکی از اجزای آن به شمار می‌رود. پل مزبور نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد.

پل علیخانی را از ابنیه سلاطین صفوی دانسته‌اند. در دوران ناصرالدین شاه دچار شکستگی شد و چون سقف آن کوتاه بود، علیخان ریش بلند سنغری نایب‌الحکومه قم آن را به دست استاد حسن معمار قمی در مدت چهل روز بازسازی کرد و از همین رو موسوم به پل علیخانی شد.^۱ در عکس‌های تاریخی قاجاری هر دو شکل پل پیش از تخریب و بعد از ساخت مجدد دیده می‌شود.

نگارنده به یاد دارد، در سال ۱۳۵۸ شمسی پایه یکی از چشمه‌های شمالی پل در اثر سیل سهمگینی تخریب شد و علی‌رغم امکان تعمیر، چون عرض پل کم بود و تردد ماشین و عابر پیاده از روی پل زیاد بود، بدون توجه به تاریخی بودن پل، تمام آن را تخریب کردند و پل عریض کنونی را برجای آن ساختند.

دروازه معصومه/ساوه/خاکفرج/تهران/عراق

در جانب شرقی میدان نو بعد از پل علیخانی دروازه‌ای وجود داشت که در دوران قاجار به چند نام به شرح آتی موسوم شد. «دروازه معصومه» ظاهراً به علت نزدیکی به حرم مطهر و «دروازه تهران» به علت آن‌که بعد از جاده جدید امین السلطانی مسافران تهران از این سمت وارد قم می‌شدند و «دروازه خاکفرج» به علت آن‌که مردم قم برای رفتن به خاکفرج و امامزاده احمد از این دروازه خارج می‌شدند و «دروازه عراق» بدین دلیل که از آنجا به سلطان آباد عراق (اراک) و منطقه مرکزی ایران که عراق عجم می‌گفته‌اند، می‌رفته‌اند. قدیمی‌ترین نام «دروازه ساوه بود» که گویا

۱ فیض، ۱۶۱.



از جای پیشینش با توسعه شهر حرکت می‌کند و در نهایت در لب رودخانه قرار می‌گیرد. هر پنج نام تا زمان قاجار متداول بوده است، لیکن نام دروازه ساوه قدمت بیشتری دارد.

شادروان علی اصغر فقیهی از نخستین قم‌شناسان معاصر وصفی از این دروازه و محور مقابل میدان نو در قسمت شرقی دارد که به لحاظ فواید تاریخی تمام آن نقل می‌شود:

«در حدود ۲۶ سال پیش اگر کسی از روی پل قدیمی (پل علیخانی) می‌خواست وارد قم شود، ابتدا به در بزرگی می‌رسید که سردر و اطراف آن را با خشت‌ها و سنگ‌های کاشی آراسته بودند و در وسط بالای دروازه عکس رستم با ریش دو شاخ خودنمایی می‌کرد. در به بازار باز می‌شد. این بازار تا میدان کهنه به این ترتیب ادامه داشت؛ تا ابتدای محلی که امروزه چهارراه است. (چهار راه بازار) مستقیم بود و در این جا یک بازار باریک به نام بازار سلامگاه از طرف دست راست تا نزدیک در بزرگ مسجد امام جدا می‌شد.

کمی پایین‌تر (تقریباً در مرکز چهارراه) سه راهی به نام سه راه کولی خان قرار داشت که از یک راه مستقیم به چهارسو و از راه دیگر به بازار مسگرها می‌رسید. در انتهای بازار چهارسو سمت دست راست (راهی که اکنون از سه راه بازار به سه راه انتهای خیابان ارم می‌رسد)، بازار باریکی بود به نام بازار نو که قسمتی از آن هنوز باقی است. (در اواخر خیابان ارم دست چپ) از حسین‌آباد به طرف میدان کهنه قسمتی که امروز جزو خیابان آذر می‌باشد، بازار بی‌سقفی بود به نام جمعه بازار. بقیه بازار تغییر مهمی نکرده، جز آن که سقف‌های کوتاه و سیاه را تبدیل به سقف‌های مرتفع و سفید کرده‌اند.»^۱

همین متن کوتاه اطلاعات خوبی از شکل و تغییرات محور مورد بحث به ما می‌دهد. مرحوم فقیهی متولد ۱۲۹۶ شمسی بود و این قسمت‌ها را قبل از تغییر خود دیده بود و به همین لحاظ توصیف وی ارزشمند است. از این توصیف نکات ذیل استفاده می‌شود:

۱. شکل و مصالح دروازه که در سمت شرقی میدان بوده است.
۲. دروازه به بازار باز می‌شده است.
۳. سمت راست مسیر بازار سلامگاه بوده که در روبه‌روی آن حرم مطهر قرار داشته است و از آن جا مردم به حضرت سلام می‌کرده‌اند.

۱ فقیهی، ص ۵۶ - ۵۷

۴. موقعیت سه راه کولی‌خان را که منطبق بر چهارراه بازار است، نشان می‌دهد.
۵. بازار نو که هم اکنون بین خیابان ارم و کوچه ننه عباس است، قبلاً به بازار بزرگ وصل بوده است.
۶. از این مطلب بر می‌آید که این بازار تا میدان کهنه ادامه داشته است، لیکن با توجه به این‌که از حرف «تا» استفاده نکرده و از عبارت «به طرف میدان کهنه» استفاده کرده است، نشان می‌دهد که منظور نشان دادن سمت و جهت است و این بازار بین بازار بزرگ و کهنه بوده و بدین ترتیب گویا این دو بازار به هم وصل نبوده است. احتمال دیگر این است که جمعه بازار تا میدان کهنه و به موازات بازار حسین آباد به طرف میدان کهنه، بازار بی‌سقفی به نام «جمعه بازار» داشته‌ایم. این احتمالاً باید با اسناد دیگر در صورت وجود مقایسه و بررسی کرد.
۷. چون مقاله مزبور در ۱۳۳۶ چاپ شده است، ۲۶ سال قبل می‌شود سال ۱۳۱۰ شمسی؛ یعنی حدود همان سال‌هایی که قسمت نخست بازار از طرف غرب (میدان نوکنونی) در طرح پهلوی اول شروع به تخریب شد.

محور جنوبی - شمالی

در بند‌های پیشین ما محور غربی - شرقی میدان نورا که مهم‌ترین محور تاریخی و کنونی شهر قم است، تا پایان دوران قاجار بررسی کردیم. اینک نگاهی کوتاه به محور جنوبی - شمالی می‌اندازیم. در این محور از سمت جنوب برای رفتن به سلطان آباد عراق که در دوره رضا شاه به اراک تغییر نام داد، استفاده می‌شد. البته در همین سو، باغات سرسبزی مثل باغ فردوس که سابقه آن در متون صفوی^۱ دیده می‌شود، وجود داشت. در سفرنامه سدید السلطنه کبابی بندر عباسی (اوایل رضاه شاه) دیده می‌شود که وی از طرلاب یا طلاب / tallab (محل فعلی فرودگاه در حال احداث قم) که در همین محور قرار دارد، گذشته است.

در سمت شمالی، بقعه امامزاده احمد و خاکفرج بود که مردم قدیم قم اعتقاد داشتند سنگی از آن‌جا در ساخت کعبه استفاده شده است. مردم شهر از قدیم الایام هم برای زیارت و گویا هم برای تفریح و تفرج ایام عید نوروز و سیزده بدر نیز بدان‌جا می‌رفتند. عکس‌های

تاریخی قاجاری از این بقعه و اطراف آن وجود دارد که نشان می‌دهد این قسمت مورد توجه مسافران تهران در آن زمان بوده و یکی از نام‌های دروازه مستقر بر لب رودخانه نیز به همین دلیل دروازه خاکفرج نامیده می‌شده است.

در مقایسه محوره‌های شرقی - غربی و جنوبی - شمالی که از میدان نومی گذشته، محور شرقی - غربی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. بررسی دقیق محور جنوبی - شمالی نیاز به مجالی دیگر دارد. وضعیت میدان نواز دوران پهلوی تا زمان مادر گفتار تکمیلی دیگر خواهد آمد.

منابع

- ۱- اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن سائب بن مالک، تاریخ قم، ترجمه تارج الدین حسن بن بهاء الدین علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق: محمد رضا انصاری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۸۵
- ۲- افضل الملک کرمانی، غلامحسین، تاریخ و جغرافیای قم (نوشته در ۱۳۱۲ق)، به کوشش سید حسین مدرسی طباطبایی، وحید، قم، [تاریخ مقدمه ۱۳۹۶ق]
- ۳- افضل الملک کرمانی، غلامحسین، کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم (نوشته در ۱۳۰۵)، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، چاپ شده در ضمائیم تاریخ دارالایمان قم
- ۴- بیگ ارباب، محمد تقی، تاریخ دارالایمان قم، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، بی جا، بی تا، بی نا [چاپ شده در قم در میانه دهه ۵۰]
- ۵- حسینی قمی، صفی الدین محمد بن محمد هاشم، خلاصه البلدان، به کوشش سید حسین مدرسی طباطبایی، چاپخانه مهر قم، [تاریخ مقدمه ۱۳۹۶ق]
- ۶- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹
- ۷- فقیهی، علی اصغر، قم دیروز و امروز، بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۰
- ۸- فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، ۲ جلد، چاپ مهر استوار، قم، ۱۳۵۰
- ۹- فیض، علی اکبر، تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، به تصحیح دکتر علرضا فولادی، بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۳



- ۱۰- کاشانی، محمد کاظم خان، علی آباد نامه یا سفرنامه ذهابیه قم، چاپ شده در ضمائمه تاریخ دارالایمان قم
- ۱۱- کتابچه نفوس اهالی دارالایمان قم، به کوشش محسن روستایی و حسین احمدی رهبریان، بنیاد قم پژوهی، قم (زیر چاپ)
- ۱۲- کسروی، احمد، کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکاء، کتابهای جیبی، تهران، ۲۵۳۵ش [۱۳۵۵ش] (نام شهرها و دیه های ایران، ۲۷۰-۳۱۳ و شناختن نام شهرها و دیه ها و اهمیت این فن، ۳۷۷-۳۸۲)
- ۱۳- مدرسی طباطبایی، سید حسین، تربت پاکان، چاپخانه مهر، قم، ۲۵۳۵ش [۱۳۵۵ش]
- ۱۴- مفلس قمی، حسین بن محمد حسن، تحفة الفاطمیین فی ذکر احوال قم والقمیین، تحقیق محمد حسین درایتی، ۲ جلد، بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۱
- ۱۵- ناصرالدین شاه قاجار، سفرهای ناصرالدین شاه به قم، به کوشش فاطمه قاضیها، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۸۱

سند نو یافته ای پیرامون باغ سالاریه

استاد محترم جناب آقای طیار مراغی (دام توفیقاته)

با عرض سلام و احترام معروض می دارد:

در شماره ۹۰ مجله گران سنگ «میراث شهاب» مقاله ای تحت عنوان «تاریخچه باغ زنبیل آباد (سالاریه قم)» اثر دوست گرامیمان سید محسن محسنی به چاپ رسیده که اتماماً للفائده عرض می شود:

- ۱- بخش معتابهی از کتابخانه مرحوم میرزا ابوطالب قمی به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها منتقل شده است.
- ۲- بر روی تعدادی از نسخه های خطی آن آستانه مقدسه تصریح شده که آن نسخه در ضمن نسخه هایی بوده که از ویرترین اتاق مرحوم تولیت به کتابخانه منتقل شده است.
- ۳- در پشت جلد نسخه ای از «صحیفه سجادیه» موجود در آن آستانه متبرکه عرش آشیان به شماره (۱۰۴۶) یادداشتی درباره «باغ زنبیل آباد» آمده، که به این شرح است:
(به تاریخ چهارشنبه ۱۰ دهم قبل از ظهر شهر ذی قعدة سنه ۱۲۹۸) (صح غر، ح ص ر غ) منتقل نمودند به عقد عمری جناب مستطاب فضایل و فواضل نصاب، عوارف و معارف انتساب، حقایق و دقائق آیات، السید النبیل و السند الجلیل، فخر الأجداد الأمجاد و الأولاد و الأحفاد، مقرب الفاطمیه آقای آقای متولیباشی تاج الحاجّ و العمار حاجی میرزا محمد حسینا همگی و تمامی املاک خود را

